



1917

کلی گاردینر

www.ketab.ir

مترجم:

شیما آبیاری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه: گاردینر، کلی
عنوان و نام پدیدآور: ۱۹۱۷ / کلی گاردینر؛ مترجم: شیما آبیاری
مشخصات نشر: تهران: نشر جمهوری، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۵۸ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۰۷۷-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
موضوع: داستان‌های استرالیایی -- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده: آبیاری، شیما، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره: PR۹۶۱۹/۳
رده بندی دیویی: ۸۲۳/۳
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۳۸۲۹۲



نشر جمهوری

دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخر رازی، شهدای واندانمیری غربی، شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۸۵۱۱۲
فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰، تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰
فروشگاه ۲: خیابان شریعتی، در خیابان صف، شماره ۱۴۸۵، تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

 jomhooripub.com
 [jomhooripub](https://www.instagram.com/jomhooripub)
 nashre.jomhoori@gmail.com

۱۹۱۷ ■

• کلی گاردینر

• نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۴۰۰، شمارگان: ۵۰۰ نسخه

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۰۷۷-۶

• لیتوگرافی، جاب، صحافی: ترنج

• صفحه‌آرایی و طرح جلد: گروه هنری جمهوری

• سرپرست مترجمان: محمدرضا اربابی

• حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

مقدمه

جنگی که به بن بست رسیده است بهانه تازه‌ای برای ادامه پیدا خواهد کرد. در جهانی زندگی می‌کنیم که هر گوشه‌اش به انفجار بمب و خمپاره ماهیت اصلی خود را از دست داده است.

در جهانی زندگی می‌کنیم که به طغیان خشم آدم‌ها، ضجه‌های بیدار شده، تلاش‌های بیهوده، قلب‌های فرسوده، بن‌بست‌های پی‌درپی، به اجبار تقدیر و ناگزیر حال و روزش آشفته است.

جنگ را از انتها که نگاه کنی گنج است برای سودجویان و بدون کوچکترین نگاه برای آدم‌های معمولی مصیبت است و ترس.

مادرم جنگ را زیسته است و بعد از گذشت سال‌ها هر بار که برق قطع می‌شود ترس تمام وجودش را می‌گیرد، با هر صدای مهیب از جا می‌پرد و همیشه یک کیف آماده برای فرار و پناه بردن دارد.

جنگ در هر برهه از زمان که اتفاق بی‌افتد به معنای واقعی کلمه خرابی به همراه دارد اما من همیشه معتقدم لایه لای سیاهی جنگ زندگی هم جریان دارد و البته که عشق. همانجا که سرباز خسته فاصله بین دو حمله را بیدار می‌ماند برای نوشتن به دل‌داده‌ای که فرسنگ‌ها دور برای گرمای دستانش دستکش می‌بافد. جنگ است که ارزش زندگی را دو چندان می‌کند. اینکه به هر جان‌کدنی سر پا بمانی. بماند که لا به لای این جنگ و کن فیکون دنیا و بلبشوی دعوای بقیه گاهی سر برمی‌گردانی می‌بینی نیست آنکه و نیستند آنانکه باید. سخت‌ترین قسمت ماجرا همین جاست. اینکه تا جان جهان باقیست به انتظار اثری می‌مانی از کسی که مفقودالثر است.

۱۹۱۷، داستانی الهام گرفته از خاطراتی است که برای نویسنده، سم مندس تعریف شده و به دست نویسنده آن به رشته تحریر درآمده است. این داستان در بهار ۱۹۱۷ در طی جنگ جهانی اول در شمال فرانسه رقم خورده است. داستان، ماجرای دو جبهه متفاوت را بیان می‌کند، جبهه جنگ اصلی که پر است از توپ و تانک و خمپاره و جبهه‌ای دیگر در شهرها که جنگی نرم را هدایت می‌کند. درحالی که مردان و جوانان فرسنگ‌ها دور برای زنده ماندن می‌جنگند در سمت دیگر دنیا مادران، خواهران و همسرانشان برای لغو خدمت اجباری اعتراض می‌کنند. در این داستان با وجود ناامیدی حاصل از جنگ بارقه‌هایی از نور امید را می‌شود دید.

و تنها مزایای جنگ از نوع جهانی‌اش این است که می‌دانی تو تنها دچار نیستی.